

توهین به مقدسات از منظر ادیان ابراهیمی و نظام‌های حقوقی غربی

رضا کاظمی‌راد*

چکیده

در تاریخ ادیان ابراهیمی و در کتب مقدس این سه دین، اشاره‌های متعددی در محکومیت توهین به مقدسات مشاهده می‌شود. در عهد عتیق بیشترین تحذیرها نسبت به بی‌احترامی به یهوه است. در عهد جدید نیز توهین به عیسی مسیح، روح‌القدس و مریم به‌عنوان مادر خدا، بیش از دیگر آموزه‌ها منع شده است. دایره مقدسات در اسلام از دو دین دیگر جامع‌تر است و بر خلاف نگاه انحصاری دو دین دیگر، توهین به مقدسات ادیان دیگر را نیز جرم دانسته و مشمول مجازات می‌داند؛ همین رویه در نظام حقوقی اسلامی و کشورهای اسلامی وجود دارد و مقدسات الهی دیگر ادیان نیز محترم شمرده می‌شود. حال آنکه در نظام حقوقی کامن لا (common law)، به‌عنوان سرآمد نظام‌های حقوقی غربی، تنها توهین به مقدسات دین مسیحی جرم‌انگاری شده است و البته همین میزان هم در اغلب کشورهای غربی از جمله انگلستان، آمریکا، اسکاتلند و... ملغی شده است. این مقاله با روش تحلیل محتوا به بررسی این موضوع در متن مقدس و سیره سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام پرداخته است.

واژگان کلیدی: توهین، مقدسات، ادیان ابراهیمی، کتاب مقدس، نظام حقوقی.

*. دکترای مطالعات تطبیقی ادیان؛ R.kazemirad1365@gmail.com

مقدمه

یکی از معضلاتی که جهان امروز به‌ویژه در سه دههٔ اخیر با آن روبرو شده است، قداست‌زدایی از امور مقدس است که براساس آن با مؤلفه‌ها و ارزش‌های دینی و مذهبی مبارزه می‌شود. از همین رو ازجمله چالش‌هایی که فضای عمومی ادیان به‌ویژه در چند دههٔ اخیر به شکل گسترده‌ای با آن روبرو شده‌اند، توهین به مقدسات ادیان مختلف به‌ویژه دین اسلام است. یک حقیقت انکارناپذیر وجود دارد و آن اینکه همهٔ مکاتب و مذاهب دینی دارای مقدساتی هستند که برای طرفداران آنها محترم شمرده می‌شود؛ این امر اختصاص به ادیان وحیانی و ابراهیمی ندارد بلکه حتی در ادیان ابتدایی نیز مکان‌ها، اشخاص و یا چیزهایی مقدس وجود داشته است (ناس، ۱۳۸۵، ص ۱۳). لازمهٔ مقدس‌بودن این امور، ضرورت احترام به آنها و رعایت حق آنها است. اما در برهه‌هایی و توسط جریان‌ها و اشخاصی بر این امور مقدس خدشه وارد می‌شود و به اصطلاح مورد توهین و اهانت قرار می‌گیرند. در بسیاری موارد، تنش میان ضرورت احترام به مقدسات ادیان و آزادی بیان ازجمله در برخی هنرها ازجمله ادبیات، سینما و... که حاوی بی‌حرمتی به شعائر مذهبی یا توهین به مقدسات هستند وجود دارد. میزان این تنش‌ها و مناقشه‌ها در موارد مختلف در نقاط مختلف جهان متفاوت است؛ البته در قوانین موضوعه، قانون منع کفرگویی یا ممنوعیت توهین به مقدسات، قانونی است که آزادی بیان در خصوص توهین به مقدسات، شخصیت‌های مذهبی، مفاهیم، آداب و باورهای مذهبی را محدود می‌کند.

تعبیر و برداشت‌ها از توهین نیز متفاوت است. گاهی توهین به معنی ناسزا دانسته می‌شود (مثل سب‌النبی) و گاهی حتی ابراز اینکه یک مقام مذهبی اشتباه کرده‌است، از سوی پیروان آن مذهب توهین تلقی می‌شود؛ از این رو چنانچه به تفصیل بیشتری در ادامه خواهد آمد، توهین دارای اشکال گوناگونی است و مصادیق مختلفی ازجمله انکار امور مقدس، گفتن سخن غیرمحترمانه، نقاشی و یا هر اثر هنری توهین‌آمیز و... را شامل می‌شود.

هرچند بسیاری از قوانین ممنوعیت توهین به مقدسات، به‌ویژه در کشورهای غربی

مدت‌هاست که لغو شده‌اند، در بسیاری نقاط و حوزه‌های قضایی همچنان باقی مانده‌اند. در برخی کشورها، اگرچه قوانین ممنوعیت توهین به مقدسات کماکان وجود دارند با این حال به اجرا گذاشته نمی‌شوند.

در کتب مقدس هر سه دین ابراهیمی از توهین به مقدسات و بعضاً مجازات‌های مرتبط با آن سخن رفته است و در آنها از توهین نهی شده است. در قوانین موضوعه نیز اعم از قوانین بین‌المللی مانند کامن‌لا و قوانین داخلی مجازات اسلامی، توهین به مقدسات جرم دانسته شده است؛ البته علی‌رغم این اشتراک، در تعیین مصادیق و دایره شمول، میان این قوانین تفاوت‌هایی وجود دارد که به مواردی از آنها پرداخته خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

در بررسی موضوع توهین به مقدسات، با جنبه‌های مختلف آن، سه مفهوم «توهین»، «اهانت» و «مقدسات» نقش کلیدی را ایفا می‌کنند و مفاهیم اصلی این موضوع به‌شمار می‌روند.

الف) توهین و اهانت

در بحث از این موضوع، هر دو مفهوم توهین و اهانت به کار می‌روند؛ گاهی تعبیر به توهین به مقدسات می‌شود و گاهی اهانت به مقدسات. اگرچه این دو مفهوم در نگاه اول به یک معنا هستند و به‌طور کلی نزدیکی معنایی دارند اما در حقیقت ریشه این دو مفهوم با یکدیگر متفاوت است زیرا توهین از «و ه ن» اخذ شده است درحالی‌که ریشه اهانت «ه و ن» است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۶۴؛ دهخدا ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۶۵۳).

همان‌گونه که بیشتر لغت‌شناسان مشهور گفته‌اند، مهم‌ترین معانی توهین، سست کردن و ضعیف نمودن است (زمخشری، [بی‌تا]، ص ۵۱۱؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۳۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۴۵۳). همچنین برخی معانی دیگر نیز برای این مفهوم ذکر کرده‌اند از جمله سبک شمردن و تحقیر و خوارکردن (عمید، ۱۳۶۶، ص ۲۱۹). اهانت نیز معنایی شبیه توهین داشته و به معنی حقیر شمردن و سبک کردن است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۳۱)؛ البته اهانت ممکن است به صورت گفتار، فعل، ترک یا کتابت انجام شود و ضابطه تشخیص آن با

توجه به عرف جامعه در هر زمانی و مکانی متغیر است و نهایتاً دادگاه رفتار مرتکب جرم را مشخص می‌کند (گلدوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸).

ب) مقدسات

واژه مقدسات جمع کلمه «مقدسه» است که این واژه، خود تأنیث «مقدس» بوده و مصدر آن کلمه «قدس» است. کلمه قدس را در معنای مصدری آن به طهارت و پاکیزگی و برکت معنا کرده‌اند (خوری شرتونی، ۱۹۸۴م، ج ۱، ص ۴۱۱). همچنین در اصطلاح به اموری گفته می‌شود که نزد خداوند دارای احترام باشند و احترام آنها بر عموم، واجب و هتک حرمت آنها حرام باشد؛ اعم از اشخاص مانند انبیا و اوصیا و یا مکان‌ها مانند کعبه، مسجدالحرام، بیت‌المقدس و سایر مساجد و یا اشیا مانند کتب آسمانی (حسینی‌دشتی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۳۱).

در دائرةالمعارف‌های معتبر مسیحی، از توهین به مقدسات با سه کلید واژه blasphemy, defamation و نیز sacrilege بحث می‌شود. هر سه مفهوم معادلی شبیه کفرگویی در فارسی دارند و در منابع حقوقی هم با همین معنا از آنها تعبیر می‌شود. در حقیقت، می‌توان گفت که در کانتکست مسیحی و نیز در نظام‌های حقوقی، مفهوم کفرگویی عنوان عامی است برای هرگونه توهین به مقدسات؛ اعم از اینکه منجر به کفر به خداوند یا دیگر مقدسات بشود یا خیر. در این فضا، هرگاه از توهین به مقدسات بحث می‌شود، اصطلاح blasphemy به کار برده می‌شود که معادل «کفرگویی» در فارسی است؛ از این رو شاید بتوان میان توهین به مقدسات در ادبیات اسلامی و مسیحی تفاوت قائل شد؛ زیرا در ادبیات اسلامی، میان توهین به مقدسات و کفرگویی رابطه‌ی تساوی برقرار نیست، اما در ادبیات مسیحی و نیز نظامات حقوقی، دست‌کم در معنای لفظی رابطه‌ی تساوی را می‌توان استنتاج نمود.

در ادبیات کتاب مقدس به‌ویژه در عهد عتیق نیز در بسیاری از موارد، توهین به مقدسات در قالب کفرگویی بیان می‌شود؛ چنانچه در توهین به «یهوه» به‌عنوان مقدس‌ترین مقدسات، بردن نام خداوند به کفر را مصداق آن قرار می‌دهند.

ج) Blasphemy

دائرةالمعارف بریتانیکا blasphemy را به معنی بی‌احترامی نسبت به مقدسات از جمله خداوند از طریق ناسزا گفتن دانسته است (بریتانیکا، ۲۰۰۶م، ص ۱۳۳). در بیان این مفهوم آمده است که در مسیحیت کفرگویی با بدعت (heresy) قرابت معنایی دارد؛ اما این تفاوت را دارد که عدم باور به وجود خدا کفرگویی محسوب نمی‌شود؛ البته با این وجود، کفرگویی توسط الهی‌دانان اخلاقی به‌عنوان یک گناه تلقی شده است و در قانون موسی (Mosaic Law) برای کفرگویی و توهین به مقدسات، مجازات سنگسار در نظر گرفته شده است (همان، ص ۱۳)؛ البته برخی نیز تنها ذکر عبارات غیرمحترمانه نسبت به خداوند را مصداق این اصطلاح دانسته‌اند (your dictionary: blasphemy).

د) Sacrilege

این اصطلاح، معادل حرمت‌شکنی است و هرگونه اقدام گناه آلود علیه امور مقدس مانند دین و هرگونه توهین به شخص مقدس یا مکان مقدس یا هر امر مقدسی را شامل می‌شود (مارتالر، ۲۰۰۰م، ص ۵۲۰).

دائرةالمعارف کلیسای کاتولیک هتک‌حرمت اشخاص را شامل و یا محدود به افرادی می‌داند که خدمت به خداوند آنها را مقدس کرده است و هرگونه بی‌احترامی فیزیکی یا زبانی به آن شخصیت‌ها، مصداقی از حرمت‌شکنی است (همان، ص ۵۲۱). حرمت‌شکنی مکان‌ها نیز شامل بی‌حرمتی به همه مکان‌هایی می‌شود که یا خدا آن مکان‌ها را مقدس کرده است و یا در نگاه مردم مقدس هستند مانند کلیسا، مسجد، قبرستان و... (همان).

توماس آکویناس توهین به مقدسات را توهین مستقیم به خداوند می‌داند؛ زیرا معتقد است هر امر مقدسی به نوعی به خداوند مرتبط است (آکویناس، ۱۹۴۵م، ص ۹۹).

در قوانین هفت‌گانه نوح که به «شریعت نوح» مشهور است، توهین به مقدسات در قالب توهین به نام خدا تعریف شده است (نوسنر، ۲۰۰۱م، ص ۷۲۱). در یهودیت نیز هتک‌حرمت به معنی نقض عمدی یا سهوی امور مقدس است. تورات مجازات قتل (Karet) را برای کسی که عمداً نام خدا را به باطل ببرد (خروج ۷: ۲۰؛ تثنیه ۱۱: ۵) یا حرمت معبد را خدشه‌دار کند یا از هر یک از قوانین یا آیین‌های مربوط به خدمات خود عدول کند تعیین می‌کند (نوسنر، ۲۰۰۱م، ص ۷۴۱).

مواجهه ادیان ابراهیمی با توهین به مقدسات

علاوه بر اشاره‌هایی که به موضوع توهین به مقدسات در سنت‌های سه دین ابراهیمی وجود دارد، چنانچه پیشتر نیز گفته شد، در متون مقدس سه دین یعنی عهد عتیق، عهد جدید و قرآن به توهین به مقدسات پرداخته شده است اگرچه تفاوت‌هایی در کمیت این امور میان سه کتاب وجود دارد. به‌طور کلی در ۳۵ جای کتاب مقدس از کفر و توهین به مقدسات نام برده شده است.

الف) مواجهه عهد عتیق با توهین به مقدسات

اگر دایره و دامنه مقدسات را قدری وسیع‌تر از آنچه به نظر می‌آید در نظر بگیریم و براساس آن همه آنچه در عهد عتیق و در شریعت یهود، مقدس به‌شمار می‌روند را حقیقتاً مقدس بنامیم در این صورت تخلف از همه این امور می‌تواند مصداقی از توهین به مقدسات تلقی شود. کتاب مقدس نیز در آیات بسیاری به تخلف از این آموزه‌ها اشاره کرده و برای آنها مجازات تعیین کرده است.

توهین به خداوند، یکی از پررنگ‌ترین مصداق توهین به مقدسات و کفرگویی است. در برخی از آیات عهد عتیق از توهین به خداوند نهی شده است؛ از جمله در سفر خروج باب ۲۲ که می‌خوانیم «به خدا ناسزا مگو و رئیس قوم خود را لعنت مکن» (خروج ۲۸: ۲۲).

علاوه بر نهی از این اقدام، در برخی آیات دیگر عهد عتیق برای آن مجازات مرگ دیده شده است از جمله در لاویان باب ۲۴ به این موضوع به صراحت اشاره شده است که باید کسی که به نام خدا؛ یهوه توهین می‌کند، کشته شود (هیرس، ۲۰۰۴م، ص ۷۷۱). در آنجا آمده است که «پسر زن اسرائیلی که پدرش مرد مصری بود در میان بنی‌اسرائیل بیرون آمد و پسر زن اسرائیلی با مرد اسرائیلی در لشکرگاه جنگ کردند؛ و پسر زن اسرائیلی اسم را کفر گفت و لعنت کرد. پس او را نزد موسی آوردند و نام مادر او شلومیت دختر دبری از سبط دان بود؛ و او را در زندان انداختند تا از دهان خداوند اطلاع یابند؛ و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: آن کس را که لعنت کرده است، بیرون لشکرگاه ببر، و همه آنانی که شنیدند دستهای خود را بر سر وی بکنند، و تمامی

جماعت او را سنگسار کنند و بنی‌اسرائیل را خطاب کرده، بگو: هر کسی که خدای خود را لعنت کند متحمل گناه خود خواهد بود» (لاویان ۲۴: ۱۰-۱۵).

در دانیال، مجازات دیگری برای کفرگویی به خداوند ثبت شده است؛ آنجا که می‌گوید: «فرمانی از من صادر شد که هر قوم و امت و زبان که حرف ناشایسته‌ای به ضد خدای شدرک و میشک و عبدنغو بگویند، پاره پاره شوند و خانه‌های ایشان به مزبله مبدل گردد، زیرا خدایی دیگر نیست که بدین منوال رهایی تواند داد» (دانیال ۲۹: ۳).

همچنین در باب هفت این کتاب در توصیف وحش چهارم از وحوش چهارگانه‌ای که دانیال در خواب دیده بود می‌خوانیم که از خصوصیات او این است که کفرگویی می‌کند: «سخنان به ضد حضرت اعلی خواهد گفت و مقدسان حضرت اعلی را ذلیل خواهد ساخت و قصد تبدیل نمودن زمانها و شرایع خواهد نمود و ایشان تا زمانی و دو زمان و نصف زمان به دست او تسلیم خواهد شد» (دانیال ۲۵: ۷).

در آیات مشابه آنچه از عهد عتیق ذکر شد نیز توهین به خداوند، بردن نام خداوند به باطل، توهین به معبد و شعائر از جمله مصادیق توهین به مقدسات یهودی ذکر شده‌اند و برای آنها مجازات تعیین شده است.

ب) مواجهه عهد جدید با توهین به مقدسات

عهد جدید به مانند عهد عتیق و بلکه با تفصیل بیشتری در مصادیق، به ذکر موارد متعدد توهین به مقدسات و حکم آنها پرداخته است. در عهد جدید توهین به مقدسات در قالب کفرگویی ترسیم شده است. چنانچه در ابتدا شرح داده شد، کفر در اینجا اصطلاحی عام است و توهین و اهانت از مصادیق آن هستند؛ اگرچه کفر اصطلاحی را نیز شامل می‌شود. کفر به خدای پدر، کفر به روح‌القدس و انکار عیسی‌مسیح از جمله موارد ذکر شده در عهد جدید هستند. عدم آمرزش مهمترین کیفر مورد نظر عهد جدید برای کفرگویی است.

۱. کفر به روح‌القدس

در باب ۱۲ انجیل متی، سخن از کسانی است که معجزات عیسی را که به واسطه روح‌القدس صورت می‌گرفت انکار می‌کردند و به تعبیر این آیات در نتیجه روح‌القدس را منکر می‌شدند. در این باب چنین آمده است:

«از این رو شما را می‌گوییم هر نوع گناه و کفر از انسان آمرزیده می‌شود، لیکن کفر به روح القدس از انسان عفو نخواهد شد و هر که برخلاف پسر انسان سخنی گوید، آمرزیده شود اما کسی که برخلاف روح القدس گوید، در این عالم و در عالم آینده، هرگز آمرزیده نخواهد شد» (متی ۱۲: ۳۱-۳۲).

مفاد دو آیه مذکور کفر به روح القدس به عنوان مصداقی از توهین به مقدسات است. براساس این دو آیه، عیسی بر فریسیان می‌تازد که چرا آگاهانه و به عمد منکر اعمالی شدند که می‌دانستند از جانب خدا انجام یافته بود (یوحنا ۱۱: ۴۸؛ اعمال رسولان ۴: ۱۶ و مرقس ۳: ۲۲). از آنجا که آنها نمی‌توانستند واقعیت آنچه را روح القدس از طریق عیسی انجام می‌دهد را منکر شوند، آن را به شیطان نسبت می‌دادند. بنابراین برای آن فریسیان محال بود آموزشی وجود داشته باشد، چرا که آنها شاهدان دست اول معجزات مسیح بودند و می‌دانستند ادعاهای او حقیقت داشتند. با این حال، به روح القدس کفر می‌گفتند (آرتور، ۲۰۰۷م، ص ۱۰۵).

شبهه حکم فوق را می‌توان در باب دوازده انجیل لوقا نیز مشاهده کرد. در آنجا نیز آمده است که «هر که سخنی برخلاف پسر انسان گوید، آمرزیده شود. اما هر که به روح القدس کفر گوید آمرزیده نخواهد شد» (لوقا ۱۰: ۱۲). و نیز مشابه همین تعبیر در مرقس آمده است: «هر که برخلاف پسر انسان سخنی گوید، آمرزیده شود اما کسی که برخلاف روح القدس گوید، در این عالم و در عالم آینده، هرگز آمرزیده نخواهد شد» (مرقس ۳: ۱۲).

۲. کفر به خداوند

کفر به خداوند به عنوان یکی دیگر از مصداق توهین و کفرگویی در رساله پولس به رومیان ذکر شده است. در باب دوم این رساله پولس در عتاب به یهودیان می‌نویسد: «به شریعت فخر می‌کنید، آیا با تجاوز از شریعت، خدا را اهانت نمی‌کنید؟ زیرا که به سبب شما در میان امت‌ها اسم خدا را کفر می‌گویند، چنان که مکتوب است» (رومیان ۲: ۲۳-۲۴).

در این باب از رساله، پولس با لحنی تند خطاب به یهودیان سخن می‌گوید و از آنان پرسش‌هایی دارد. از جمله این پرسش‌ها و عتاب‌ها، اعمال زشتی بود که یهودیان در

غارت معابد بت‌پرستان و فروش اموال آنان برای خود انجام می‌دادند و همین باعث شده بود تا دیگران به یهوه، خدای یهودیان توهین کنند و نام خداوند را به کفر و باطل ببرند.

۳. کفر عیسی مسیح

یکی از جنبه‌های کفر که در عهد جدید روایت شده، حکم کاهنان یهودی به کفر عیسی مسیح به سبب کلام و عمل او است. در انجیل مرقس آمده است که رئیس کهنه یهودی به هنگام محاکمه عیسی مسیح و تصریح عیسی به پسر انسان بودن، خطاب به همگان گفت: «کفر او را شنیدید! چه مصلحت می‌دانید؟» پس همه بر او حکم کردند که مستوجب قتل است» (مرقس ۶۴: ۱۴).

همین روایت را در باب ۲۶ متی آیات ۶۰ تا ۶۶ نیز می‌توان دید که در آن آیات نیز حکم به قتل عیسی مسیح می‌شود. کفر مورد انتساب به عیسی مسیح در این آیات و آیات مشابه، در حقیقت برآمده از نادیده انگاشتن مجموعه مقدسات یهودی از سوی او است که کاتبان و فریسیان بر آنها اصرار می‌ورزیدند و اعم از کفر اصطلاحی است. این داستان به روایت مشابهی در باب دهم انجیل یوحنا آمده است. در آنجا می‌خوانیم: «عیسی بدیشان جواب داد: «از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک به شما نمودم. به سبب کدام یک از آنها مرا سنگسار می‌کنید؟» یهودیان در جواب گفتند: «به سبب عمل نیک، تو را سنگسار نمی‌کنیم، بلکه به سبب کفر، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می‌خوانی» (یوحنا ۱۰: ۳۲-۳۳).

در همه این آیات، عیسی مسیح هم متهم به کفرگویی می‌شود و هم به سبب آن محکوم به مرگ؛ و از طرف دیگر نشان از این دارد که در نگاه یهودیان، کفرگویی به خداوند مجازات مرگ را داشته است.

علاوه بر موارد فوق، عیسی مسیح به سبب انجام کاری که مخصوص خداوند تلقی می‌شود نیز از سوی یهودیان به کفرگویی متهم شده است. این موضوع در چند جا از عهد جدید نیز روایت شده است از جمله در باب ۹ انجیل متی آنجا که می‌گوید: «ناگاه مفلوجی را بر بستر خوابانیده، نزد وی آوردند. چون عیسی ایمان ایشان را دید، مفلوج را گفت: «ای فرزند، خاطر جمع‌دار که گناهایت آمرزیده شد؛ آنگاه بعضی از کاتبان با خود گفتند: «این شخص کفر می‌گوید؟» (متی ۹: ۳-۱).

شبهه همین موضوع را در لوقا باب ۵ آیه ۲۱ نیز مشاهده می‌کنیم که یهودیان، اعمال خدایی عیسی مسیح را کفرگویی می‌دانستند. در مرقس باب ۲ آیه ۷ نیز یهودیان می‌پرسند که این فرد کیست که کفر می‌گوید؟ آیات مشابه دیگری را نیز می‌توان یافت که شبهه همین مضمون را داشته باشند و عیسی را متهم به کفرگویی و مستوجب قتل دانسته باشند.

ج) حکم توهین به مقدسات در سنت مسیحی

در سنت مسیحی، به شکل عینی‌تر و عملی‌تری توهین به مقدسات مورد پیگرد و مجازات قرار می‌گرفت. تاریخ مسیحیت به‌ویژه در قرون وسطی تا دوران روشنگری، مملو از افرادی است که به اتهام و یا جرم توهین به مقدسات مسیحی، تکفیر، شکنجه و حتی اعدام می‌شدند. بدون شک تاریخ مسیحیت، دوران تفتیش عقائد را از یاد نخواهد برد.

۱- مجازات توهین به عیسی مسیح در مصوبات شوراهای کلیسای

علاوه بر کتاب مقدس، در سنت مسیحی شامل شوراهای کلیسایی و آرا پاپ‌ها نیز کفرگویی و توهین به مقدسات مسیحی مورد توجه بوده و برای آن مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است. در مصوبات شورای اول نیقیه [۱] که در سال ۳۲۵م و با حضور قریب به ۳۲۰ نفر از اسقفان مسیحی شکل گرفت (لین، ۱۳۸۰، ص ۵۱) و به نام «اعتقادنامه» مشهور است، در خصوص توهین به عیسی مسیح آمده است:

«کلیسای مقدس کاتولیک و رسولان، کسانی که سخنان زیر را می‌گویند لعنت می‌کند: «زمانی بوده است که پسر وجود نداشته است» و «او وجود نداشته و بعد به وجود آمده است» و «او از نیستی به وجود آمده است». نیز کلیسای کاتولیک کسانی را لعنت می‌کند که بر این باورند که وجود او از ماهیت یا وجودی بجز ماهیت یا وجود پدر ناشی شده است و یا اینکه او تغییرپذیر بوده و در معرض دگرگونی و تبدیل است. مصداق اصلی این لعنت‌ها، آریوس، یکی از آباء اسکندریه و پیروان او بودند که چنین دیدگاه‌هایی در خصوص عیسی مسیح داشتند (ناس، ۱۳۸۵، ص ۶۳۴).

همچنین در مفاد شورای دوم قسطنطنیه که در سال ۵۵۳ میلادی تشکیل شده، کسانی که قائل به دو طبیعت مجزای عیسی مسیح قائل باشند، مورد لعن قرار گرفتند.

در بندهای مرتبط از مفاد این شورا آمده است: «اگر کسی اصطلاح «در دو طبیعت» را بدین منظور به کارگیرد که واژه «دو»، طبیعت‌های مسیح را جدا سازد و یا با این استفاده، دو طبیعت را دو شخصیت مجزا معرفی نماید، ملعون باد!

همچنین در بند دیگری آمده است: اگر کسی اصطلاح «از دو طبیعت» یا «یگانه طبیعت مجسم کلمه خدا» را به کار گیرد و این اصطلاحات را به شکلی که پدران مقدس تعلیم داده‌اند، درک نکند، بلکه سعی نماید طبیعت یا جوهر الهی و انسانی مسیح را با هم مخلوط نماید، ملعون باد!

و در بند دیگر آمده: اگر کسی اعتراف نکند خداوند ما عیسی مسیح، که در جسم مصلوب شد، خدای حقیقی و خداوند جلال و یکی از اقنوم تثلیث اقدس است، ملعون باد (لین، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷).

مجازات برخی توهین‌ها علاوه بر تکفیر و طرد از کلیسا لعن علنی از سوی کلیسا نیز بود. به این معنا که چنین افرادی نه تنها از سوی کلیسا طرد می‌شدند بلکه لعن علنی کلیسا هم به آنها تعلق می‌گرفت که حاوی گزاره‌های حقوقی و شدید اللحن نیز بود (دورانت، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۰۱۵).

در شورای افسس که در سال ۴۳۱ میلادی برگزار گردید، پلاگیوس به سبب دیدگاهی که نسبت به تجسد و مرگ عیسی مسیح داشت، آرا او کفرگویی دانسته شده و به بدعت‌گزاری محکوم شد (اگریدی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷).

علاوه بر شوراها، کلیسای، در دادگاه‌های تفتیش عقائد نیز توهین به عیسی مسیح به عنوان مصداق بارز توهین به مقدسات مسیحی با مجازات شدیدی همراه بود و حتی می‌توان گفت، بدترین و خطرناک‌ترین جرم به‌شمار می‌رفت و از این‌رو شدیدترین مجازات‌ها را نیز به دنبال داشت (وان وورست، ۱۳۸۴، ص ۳۳۶؛ مارتینلی، ۱۳۷۸، ص ۴۵ و ۱۰۳؛ بکراش، ۱۳۸۳، ص ۱۸ و ۵۵؛ وایت، ۱۳۹۷، ص ۱۹ و ۲۷؛ فالورز، ۱۳۸۴، ص ۲۴؛ الیاده، ۱۳۷۳، ص ۷۹). لیستی از کتب توسط کلیسای کاتولیک با عنوان «فهرست کتب ممنوعه» (List of prohibited books) در دوره‌ها و نسخه‌های مختلف منتشر شد. نسخه بیستم و نهمی آن در سال ۱۹۴۸ م مشاهده شد و به‌طور رسمی در ۱۴ ژوئن سال ۱۹۶۶ م توسط پاپ پل ششم ممنوعیت آنها نهایی گردید

(دونون، ۲۰۰۹م، ص ۱۶۸). نکته مهم در این خصوص این است که مهمترین دلیل ممنوعیت آنها توهین به مقدسات دین مسیحیت بوده است (بکراش، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶-۱۳۲).

۲- تکفیر توهین کنندگان به مریم مقدس (Saint Mary).

یکی از مقدسات مسیحیت، مریم است. در باور مسیحی، مریم، مادر خدا و مقدس دانسته می‌شود. کلیسا پنج حقیقت را درباره مریم به‌طور رسمی اعلام کرده است که عبارتند از: مادر خدا؛ آزادی از گناه نخستین [۲]، به‌کارت؛ (دونون، ۲۰۰۹م، ص ۵۳) لقاح مطهر و صعود به آسمان (لین، ۱۳۸۰، ص ۹۷). این امور در شورای افسس در سال ۴۳۱م به تصویب رسید و مخالفت با این موارد، توهین به شخصیت ایشان محسوب شده و مستحق مجازات است. در شورای دوم قسطنطنیه در سال ۵۵۳ میلادی، موضوع به‌کارت همیشگی مریم (یعنی پیش از تولد و حین تولد عیسی و تا آخر عمر مریم) جزو اعتقادات رسمی کلیسا گنجانده شد (مولند، ۱۳۸۱، ص ۵۲). نسطوریوس اسقف قسطنطنیه در قرن پنجم، لقب مادر خدا برای مریم را رد کرد. سیریل اسکندریه نامه‌ای شدید به نسطوریوس نوشت و از وی درخواست کرد ۱۲ ملعون باد را امضا کند؛ یعنی دوازده گزاره‌ای را که سیریل آنها را نشانه افکار بدعت‌آمیز او می‌دانست محکوم کند؛ اما نسطوریوس نپذیرفت. شورای افسس او را از مقام اسقفی خلع کرد. نخستین ملعون باد در موضوع مادر خدا بودن مریم است و در آن آمده است: اگر کسی اعتراف نکند باکره مقدس مادر خدا است و نیز اعتراف نکند که او در جسم خود کلمه خدا را که جسم گردید به دنیا آورد ملعون باد (لین، ۱۳۸۰، ص ۹۵). به‌طور کلی در فهرست جرم‌ها و اتهام‌های زندانیان و کسانی که در دادگاه مقدس تفتیش عقائد، مجازات شدند اهانت به مریم مقدس نیز همانند توهین به عیسی مسیح جرم بسیار بزرگ و خطرناکی بود و کیفر و مجازات سنگین زندان، شکنجه، زنده‌سوزاندن و به صلیب کشیدن را در پی داشت (وان، ۱۳۵۴، ص ۲۷؛ مک‌گراث، ۱۳۸۴، ص ۲۱۴).

در بررسی عهد جدید و نیز مصوبات شوراها و احکام صادره از سوی پاپ‌ها و دادگاه‌های تفتیش عقائد چنین بر می‌آید که توهین به مقدسات مسیحی (دست‌کم تا پیش از عصر روشنگری) ضمن جرم بودن، مجازات‌های سنگینی را در پی داشته است.

د) مواجهه قرآن و سنت اسلامی با توهین به مقدسات

در دین مبین اسلام و کتاب آسمانی آن قرآن کریم نیز همانند کتاب مقدس، موضوع توهین به مقدسات و کفرگویی مورد اشاره است و در آیاتی از قرآن کریم و نیز در گفته‌های معصومین علیهم‌السلام انسان‌ها را از انجام این عمل نهی شده‌اند.

۱. نهی از توهین در قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

در سوره انعام خداوند متعال با نهی مسلمانان از توهین به مقدسات دیگر افراد خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (انعام: ۱۰۸) «(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و) پاداش و کیفر می‌دهد).

فلسفه این نهی نیز چنانچه از ظاهر آیه نیز برداشت می‌شود، جلوگیری از توهین دیگران به خداوند متعال است.

علاوه بر قرآن کریم، در تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام نیز از توهین منع شده‌است؛ دایره منع توهین حتی اشیا و بلکه حتی شیطان را نیز در بر می‌گیرد:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «لَا تَسُبُّوا الرِّيحَ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ وَ لَا تَسُبُّوا الْجِبَالَ وَ لَا السَّاعَاتِ وَ لَا الْأَيَّامَ وَ لَا اللَّيَالِيَ فَتَأْتُمُوا وَ تَرَجِعَ عَلَيْكُمْ» (ابن بابویه، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۷۷)؛ «بادها را دشنام ندهید زیرا آنها مأمور هستند و کوه‌ها و ساعات و ایام و شبها را نیز ناسزا نگویند که مرتکب گناه شده و این ناسزا به خودتان بر می‌گردد».

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نه تنها به توهین به باد و کوه و زمان و... راضی نمی‌شود بلکه حتی پیروان خود را از ناسزاگفتن به شیطان هم ممانعت می‌کند: «لَا تَسُبُّوا الشَّيْطَانَ وَ تَعُوذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ»؛ (متقی‌هندی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۸۴، ح ۲۱۲۰).

وقتی توهین به اشیا و شیطان ممنوع باشد، پر واضح است که سب انسان‌ها نیز به طریق اولی ممنوع خواهد بود؛ از این رو آن حضرت نسبت به انسان‌ها نیز سفارش می‌کند

که: «لَا تَسْبُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ» (مجلسی، ۱۴۳۵ق، ج ۷۵، ج ۱۷۳).

شاید این احادیث را بتوان جامع‌ترین مانیفست اسلام و مسلمانان در شناخت موضع آنها نسبت به توهین به مقدسات دانست. مفهوم «الناس» ذکر شده در حدیث، عنوان عام و کلی است که همه انسان‌ها حتی غیرباورمندان به خداوند یکتا را نیز شامل می‌شود، از این رو به طریق اولی شخصیت‌های مقدس ادیان دیگر را نیز تحت شمول خود دارد.

۲. مجازات کفر و انکار مقدسات در قرآن

در کنار توصیه‌ها به عدم توهین به دیگران، در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که برای کسانی که کافر به تعالیم و اعتقادات هستند، عذاب‌های متعددی را ذکر می‌کنند. این عذاب‌ها را در دسته‌های مختلفی می‌توان دسته‌بندی کرد که سه مورد از مهمترین آنها عبارتند از:

۲-۱. لعن و نفرین خداوند و دوری از رحمت

از جمله در آیه «أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ قَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۸۷ و مشابه همین مضمون در اعراف: ۱۴؛ هود: ۱۹؛ بقره: ۱۶۱) «آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عده‌ای را تکذیب کرده و جمعی را به قتل رساندید؟! و (آنها از روی استهزا) گفتند: دل‌های ما در غلاف است! (و ما از گفته تو چیزی نمی‌فهمیم. آری، همین طور است!) خداوند آنها را به خاطر کفرشان، لعن کرده و از رحمت خود به دور ساخت».

۲-۲. ابتلا به زیانکاری در آخرت

همانند آنچه در آیه «... وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۴ و شبیه این مضمون در آیات دیگری از جمله در بقره: ۲۷ و ۱۲۱؛ عنکبوت: ۵۹؛ انفال: ۳۶) آمده است: «هرکس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت، از زیانکاران است».

۲-۳. گرفتارشدن به عذاب الهی در آخرت

این قسم از آیات، بیشترین سهم را در میان آیاتی که به مجازات کفر به خداوند (با همه انواع آن) اشاره دارند، به خود اختصاص داده است. برخی از این آیات عبارتند از: «وَ أَنْ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (اسراء: ۱۰)؛ «و اینکه آنها که به قیامت ایمان نمی‌آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته‌ایم.»
«... فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (بقره: ۸).

«... در دل‌های کفار، یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده؛ و به‌خاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنها است.»
و نیز آیه «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا...» (کهف: ۱۰۵).
«آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد! از این‌رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد! (آری)، این گونه است! کیفرشان دوزخ است، به‌خاطر آنکه کافر شدند...»
علاوه بر سه دسته عذاب ذکر شده، عذاب‌های متعدد دیگری نیز مانند حکم به قتال با کفار، گمراهی و عدم هدایت آنها از سوی خداوند، عدم پذیرش اعمال خوب آنها و... در قرآن ذکر شده است.

۳. توهین به مقدسات در دیدگاه علمای شیعه و قلمرو آن

براساس فقه شیعه توهین به اموری که جزو مسائل ضروری اسلام قرار دارند، مانند توهین به خداوند، قرآن کریم، کعبه و دیگر مقدسات اسلامی جرم شناخته می‌شود و عامل آن باید مجازات گردد (اگرچه این مجازات دارای شدت و ضعف است).
دیدگاه اجماعی همه علمای شیعه نیز چنین است که توهین به ضروریات دین و مذهب همانند توهین به خداوند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و یا ائمه معصومین عليهم السلام، انکار اصل نبوت و یا معاد از مصادیق اصلی توهین به مقدسات به‌شمار آمده (علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۸۰؛ مجدیسوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۶۷) و براساس قاعده کلی حرمت اهانت به مطلق مقدسات، حکم به حرام‌بودن آن می‌دهند

(موسوی بجنوردی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۵۷)؛ ضمن آنکه جرم بودن چنین عملی نیز بارز و مسلم است. [۳] برخی از فقها نیز حکم به ارتداد فرد توهین کننده می دهند؛ اگرچه همه آثار و تبعات حکم ارتداد بر آن بار نمی شود.

دیدگاه اغلب علمای شیعه چنین است که توهین به حضرت زهرا علیها السلام را نیز ملحق به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام می دانند (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳، ص ۱۷۴). ملاک کلی حرمت و جرم بودن توهین به مقدسات، این است که مقدسات جزو ضروریات دین اسلام باشد، در این صورت همه مواردی که از مقدسات ادیان وحیانی دیگر بوده اما جزو ضروریات دین اسلام باشد نیز تحت این قاعده خواهد بود. از مصادیق این امور می توان پیامبران الهی و حضرت مریم علیها السلام را نام برد.

در همین راستا برخی از فقهای شیعه از جمله شهیدثانی، توهین به دیگر پیامبران الهی را در رتبه توهین به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام قرار داده و به مجازات مشابه برای توهین به آنها حکم داده اند (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۸). ابی صلاح حلبی نیز دیدگاهی مشابه شهیدثانی دارد و حکم به مجازات توهین کننده به انبیا کرده است (ابوصلاح حلبی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۶). فلسفه چنین دیدگاهی این است که لزوم احترام به دیگر پیامبران، از ضروریات اسلام است و از این رو سب و توهین به آنها موجب ارتداد می شود (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۱۹۴). شاید به همین دلیل باشد که ابن زهره در این خصوص ادعای اجماع کرده است (ابوالکارم، ۱۴۱۷ق، ص ۶۲۳).

۴. توهین به مقدسات از دیدگاه مذاهب اسلامی

علاوه بر تشیع اثنی عشری، دیگر مذاهب اسلامی اعم از تشیع غیرامامی و مذاهب اهل سنت نیز دیدگاه توسعی و شمول گرا نسبت به توهین به مقدسات و سرایت حکم از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دیگر انبیا و مقدسات دیگر ادیان دارند. در فقه مذهب زیدیه، مجازات توهین به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قتل است (هادی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۸۲). در مذهب مالکی توهین به دیگر انبیا همانند توهین به پیامبر صلی الله علیه و آله و مستوجب مجازات قتل است (قرطبی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۸۵). حنابله نیز حکم به کفر کسی می کنند که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یا دیگر انبیا توهین و سب کند (مقدسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۷۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۳۳).

توهین به مقدسات در نظام‌های حقوقی غربی

یکی از مهمترین نظام‌های حقوقی که در کشورهای اروپایی کاربرد دارد. نظام حقوقی «کامن لا» است. وجه تسمیه این قانون به این نام آن است که این قانون در تمام دادگاه‌های پادشاهی سراسر انگلستان، رایج بود و اجرا می‌شد (لانگ‌بین، ۲۰۰۹م، ص ۴). در نظام حقوقی «کامن لا»، که برگرفته و متأثر از مجموعه قوانین اعتقادی و حقوقی کلیسا [۴] است، چنانچه پیشتر نیز گفته شد، به توهین به مقدسات با کلیدواژه‌های Blasphemy و sacrilege به معنی «کفرگویی» پرداخته شده و صریحاً جرم شناخته شده است.

پیشینه قانون منع توهین به مقدسات به‌عنوان بخشی از کامن لا، به‌ویژه در انگلستان که مهد ظهور این قانون است به قرون وسطی باز می‌گردد. اما نکته قابل ذکر این است که اجرای این قانون یعنی جرم‌انگاری توهین به مقدسات در سال ۲۰۰۸م در کشورهای انگلستان و ولز و در سال ۲۰۲۱م در کشور اسکاتلند با حکم پارلمان ملغی گردید.

در کشور ایرلند شمالی نیز تلاش‌ها برای لغو جرم‌انگاری توهین به مقدسات ادامه دارد. دستاویز اومانیسست‌های مدافع لغو این قانون این است که چنین قانونی، مصداقی از نقض حقوق بشر است (en.wikipedia.org/wiki/Blasphemy law in the United Kingdom).

آنچه از تاریخچه این قانون در اختیار داریم این است که در سال ۱۳۷۸م، به دستور پاپ گریگوری یازدهم، جان ویکلیف و لولارد به دلیل کفرگویی شکنجه شدند. از قرن شانزدهم تا اواسط قرن نوزدهم، کفر علیه مسیحیت و توهین به مقدسات مسیحی مطابق قانون کامن لا جرم قلمداد می‌شد. هنری هشتم در دهه ۱۵۳۰م و هنگام تدوین اعتقادنامه کلیسای جدید خود در انگلستان، گفتن یا چاپ کردن هر مطلبی را که با شش ماده مغایرت داشته باشد، جرم دانست (تمپرمن، ۲۰۱۷م، ص ۱۲۱). کفرگویی همچنین به‌عنوان ابزاری قانونی برای آزار و اذیت ملحدان، تک طبیعتی‌ها و دیگران مورد استفاده قرار می‌گرفت (Q & A: Blasphemy law". BBC (News. 18 October 2004. Retrieved 7 June 2018).

براساس قانون کامن لا، اهانت‌های دینی علیه خدا، از جمله انکار وجود یا مشیت او، توهین و انساب القاب ناپسند به عیسی مسیح، تمسخر مقدسات دینی (حتی بخشی از آنها)، توسط دادگاه‌های موقت به مجازات اعدام، زندان و شکنجه‌های جسمی منجر می‌شد. در سال ۱۶۵۶م دو نفر به نام‌های ویلیام باند و توماس هیبورد، به دلیل اظهارات کفرآمیز خود در ویلتشایر محکوم شدند. در ماه مه همان سال، الکساندر اگنو به جرم داشتن باورهای کفرآمیز در دامفریس محکوم و به دار آویخته شد (گرای، ۱۷۳۹م، ص ۹۲-۹۵). پرونده تیلور در سال ۱۶۷۶م اولین مورد گزارش شده از جرم توهین به مقدسات در آن سال بود (the law commission 1981, no79,5).

دو نکته در این خصوص قابل ذکر است و آن اینکه از زمان ظهور قانون مجازات کفرگویی تا زمان لغو آن، موارد بی‌شماری وجود داشته‌اند که به این جرم مجازات شده‌اند. مواردی که در بالا ذکر شد، تنها از باب نمونه بود و هرگز محدود به همین موارد نیست.

نکته دوم آنکه منظور از مقدسات در این جرم، اعتقادات کلیسای انگلستان است و از سال ۱۸۳۸م، تنها اگر مطلبی علیه عقاید کلیسای انگلستان گفته می‌شد مصداقی از کفرگویی بود و جرم دانسته می‌شد؛ همین مسئله موجبات اعتراض برخی از صاحب‌نظران را نیز به دنبال داشت و آن را نوعی تبعیض دینی غیرقابل قبول می‌دانستند.

اما همان‌طور که در ابتدا گفته شد، این قانون حتی نسبت به مقدسات مسیحیت نیز در بیش از یک دهه پیش لغو شد. این قوانین در آمریکا نیز پیشتر و در قرن بیستم ملغی شده بود. مهمترین توجیه برای الغای قانون منع یا جرم‌انگاری توهین به مقدسات در آمریکا، مغایر دانستن آن با قانون اساسی این کشور عنوان شده بود. با این حال برخی ایالت‌ها کماکان قوانین پیشتر وضع شده در این خصوص را ملغی نکرده‌اند، (فریدمن، ۲۰۰۹م) اگرچه در واقع به این قوانین عمل نمی‌شود. در کشور اسکاتلند که قانون کفرگویی کماکان بر روی کاغذ برقرار است، دولت در تاریخ ۲۴ آوریل ۲۰۲۰ لایحه جدیدی را به تصویب رساند که براساس آن، جرم‌انگاری از توهین به مقدسات حذف می‌شود. نهایتاً این قانون در سال ۲۰۲۱م به‌طور کامل ملغی گردید.

شاید مهمترین دلیل برای حذف این قوانین، کم‌رنگ شدن روزافزون جایگاه دین در فرهنگ و سیاست جهان غرب باشد. دو مقوله آزادی بیان و جدایی دین از سیاست، باعث شده است تا دین جایگاه خود را در فرهنگ و سیاست جوامع غربی از دست بدهد و تعلق خاطر به دین و مقدسات دینی رنگ بیازد. پر واضح است که در چنین فضایی توهین به مقدسات دینی، جریحه‌دار شدن احساسات مسیحیان را در پی نخواهد داشت و چنان قانونی حتی در صورت وجود آن نیز جنبه اجرایی پیدا نخواهد کرد.

همچنین یک اشکال اساسی بر این قانون وجود داشته و آن اینکه بر فرض داشتن ضمانت اجرا، صرفاً محدود به مقدسات دین مسیحیت است و هیچ شمولی نسبت به مقدسات دیگر ادیان از جمله اسلام ندارد. شاید به همین دلیل باشد که در مقابل توهین به مقدسات اسلامی در غرب در طی سالیان اخیر هیچ‌گونه موضع و واکنشی از سوی غرب دیده نمی‌شود. حال آنکه در قوانین موضوعه اکثر کشورهای اسلامی، توهین به مقدسات به صورت عام آمده و هرگونه توهین به مقدساتی که باعث جریحه‌دار کردن احساسات پیروان یک دین شود، جرم تلقی شده و مجازات‌هایی را در پی دارد.

جمع بندی

مهمترین نکته در مقایسه مفاد کتب مقدس سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام یعنی عهد عتیق، عهد جدید و قرآن این است که نهی‌ها و مجازات‌های وارد شده در دو بخش نخست یعنی در عهدین درون دینی است. در عهد عتیق آنچه که سبب عذاب خداوند می‌شود، توهین به مقدسات یهودی و عدم احترام به شعائر یهودی است؛ البته «یهوه» که توهین به آن بزرگترین عذاب‌ها را در پی دارد، در هر سه دین مشترک است، اما بدان سبب پر اهمیت است که خدای دین یهود است و نه بیشتر. در مسیحیت نیز همه مجازات‌ها و لعن‌ها حول «روح القدس» و «عیسی مسیح» سیر می‌کند و گریزی به مقدسات ادیان دیگر زده نمی‌شود؛ همین رویه انحصاری در سنت هر دو دین به شکل ملموس‌تری دیده می‌شود. در نظام حقوقی کامن‌لا، به‌عنوان مهمترین نظام حقوقی جاری نیز صرفاً توهین به مقدسات مسیحی جرم‌انگاری شده بود که آن هم به مرور زمان و به‌ویژه طی یک دهه اخیر ملغی شده است. اما در دین اسلام و در قرآن کریم، خداوند متعال خطابی عمومی به همه انسان‌ها دارد و به شکل عام، همه را از توهین به دیگران باز می‌دارد؛ همچنین، پیامبر اسلام ﷺ به شکل واضح‌تری انسان‌ها را از توهین به یکدیگر، به اشیا و پدیده‌ها و حتی به شیطان رجیم منع کرده است. این ویژگی منحصر به فرد تعالیم اسلامی است که دایره نهی آن از توهین به مقدسات، به مقدسات دیگر ادیان نیز سرایت می‌کند و عدم توهین به آنها را نیز شامل می‌شود.



پی‌نوشت

- [۱]. احکام این شورا تقریباً از سوی همهٔ مسیحیان اعم از کاتولیکه پروتستان و ارتدوکس به رسمیت شناخته می‌شود. رک: (جو ویور، ۱۳۸۱، ص ۴۴۶).
- [۲]. در شورای ترنت در قرن ششم میلادی، مریم عاری از گناه شناخته شد (لین ۱۳۸۰، ۳۶۰؛ زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۸).
- [۳]. باید این نکته را یادآور شد که اثبات جرم‌بودن توهین به مقدساتی که جزء ضروریات دین نیستند، علاوه بر قاعدهٔ کلی حرمت توهین به مقدسات نیازمند دلیل مستقل است.
- [۴]. The Codes of Common Law.



فهرست منابع

الف) فارسی

- قرآن کریم
کتاب مقدس
۱. آرتور، جان مک، *تفسیر عهد جدید*، ترجمه و نشر توسط سازمان Grace to you، [بی جا]، ۲۰۰۷م
 ۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *علل الشرايع*، قم: مكتبة الداوری، ۱۴۱۸ق.
 ۳. ابن قدامه، عبدالله، *المغنی*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۵ق.
 ۴. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
 ۵. ابوالمکارم ابن زهره، حمزه بن علی، *غنیة النزوع إلى علمی الاصول والفروع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
 ۶. ابوصلاح حلبی، تقی الدین، *الكافی فی الفقه*، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۷.
 ۷. اُگریدی، جوان، *مسیحیت و بدعت‌ها*، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم: نشر طه، ۱۳۷۷.
 ۸. الیاده، میرچا، *آیین گنوسی و مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسمعیل پور، تهران: فکر روز، ۱۳۷۳.
 ۹. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: نشر مهارت، ۱۳۸۱.
 ۱۰. بکراش، دبوراً، *تفتیش عقاید*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
 ۱۱. حسینی دشتی، سیدمصطفی، *معارف و معاریف دایرة المعارف جامع اسلامی*، قم: مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۴۱۵ق.
 ۱۲. خوری شرتونی، سعید، *أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*، بیروت: مطبعة مرسلی الیسوعیة، ۱۸۸۴م.
 ۱۳. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۴. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه ابوالقاسم طاهری و دیگران، چاپ هشتم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
۱۵. راغب اصفهانی، ابی قاسم حسین بن محمد بن المفضل، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. زمخسری جارالله ابی قاسم محمود بن عمر، *اساس البلاغة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، [بی تا].
۱۷. زیبایی نژاد، محمدرضا، *مسیحیت شناسی مقایسه‌ای*، چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۸۴.
۱۸. شهیدثانی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: دارالهادی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۱۹. شهیدثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام فی شرح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۵ق.
۲۰. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين و مطلع النیرین*، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۲۱. علم الهدی، سیدمرتضی، *الاتصار*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۲. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۳. فراهیدی، ابی عبدالرحمن الخلیل بن احمد، *العین*، قم: دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۴. فلاورز، سارا، *اصلاحات*، ترجمه رضا یاسایی، چاپ سوم، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۴.
۲۵. قرطبی، یوسف بن عبدالله، *الکافی*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
۲۶. گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای اختصاصی*، چاپ هفتم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۲۷. لون وان، انگیزسیون، *تفتیش عقاید*، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران: مکتب تشیع، ۱۳۵۴.
۲۸. لین، تونی، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران: فروزان، ۱۳۸۰.
۲۹. مارتینلی، فرانکو، *تاریخ تفتیش عقاید تاریخ سفاکی‌ها*، شکنجه‌ها و سادیسم‌ها، ترجمه ابراهیم صدقیانی، تهران: جهان‌رایانه امین، ۱۳۷۸.

۳۰. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۳۱. مجدیسوفی، زین‌الدین ابی‌علی، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۳۵ق.
۳۳. محمدیان، محی‌الدین و محمد هویدی، *تفسیر معین*، ترجمه مختار محمدیان، قم: منادی تربیت، ۱۳۹۸.
۳۴. مقدس اردبیلی، ملاحمد، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۵. مقدسی، عبدالرحمن بن محمد، *الشرح الكبير على متن المقنع*، بیروت: دارالکتب العربی، [بی‌تا].
۳۶. مک‌گراث، آلیستر، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
۳۷. موسوی‌بجنوردی، سیدحسن، *القواعد الفقهیه*، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۳۸. مولند، اینار، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۳۹. ناس، جان بایر، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، ویرایش پرویز تابکی، چاپ شانزدهم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
۴۰. هادی، یحیی بن حسین، *الاحکام فی الحلال والحرام*، صعده: مکتبه التراث الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۴۱. وان‌وورست، رابرت ای، *مسیحیت از لابه‌لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۸۴.
۴۲. وایت، مایکل، *پاپ و مرد مرتد*، ترجمه فروغ پور یاوری، تهران: ثالث، ۱۳۹۷.
۴۳. ویور، مری جو، *درآمدی بر مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.

(ب) لاتین

1. Aquinas, St. Thomas, *Summa theologicae*, Rome, benziger brother printers, 1945.
2. *Blasphemy to be decriminalized in Scottish hate crime bill*". The Guardian. 24 April 2020. Retrieved 25 April 2020.
3. Donovan, j, *Catechism of the Council of Trent by Catholic Church*, Christian Books Today Ltd, 2009. Hubert Jedin, John Dolan,
4. en.wikipedia.org/wiki/Blasphemy law in the United Kingdom.
5. Freedman, Samuel G. (20 March 2009). "A Man's Existentialism, Construed as Blasphemy". The New York Times. Retrieved 4 September 2009.
6. Gabriel Adriányi, *The Church in the Modern Age*, (Volume 10) 1981.
7. Gray, Zachary, *An Impartial Examination of the Fourth Volume of Mr. Daniel Neal's History of the Puritans*. Bettenham, 1739.
8. your dictionary online version / blasphemy
9. Langbein, John H.; Lerner, Renée Lettow; Smith, Bruce P. *history of the Common Law: The Development of Anglo-American Legal Institutions*. New York: Aspen Publishers, 2009.
10. Marthaler Berard, L, *The New Catholic Encyclopedia*, United States, Thomson Gale, second edition, 2000.
11. Neusner Jacob, *encyclopedia of Judaism*, editors: Jacob Neusner, Alan Avery-Peck, William Scott Green, US, imprint, 2001.
12. *Q & A: Blasphemy law*". BBC News. 18 October 2004. Retrieved 7 June 2018.
13. Safra, Jacob, E, *Britannica encyclopedia of world religions*, Britannica Encyclopedia Inc, 2006.
14. Temperman & Koltay, *Blasphemy and Freedom of Expression: Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre*. Cambridge: Cambridge University Press, 2017.
15. *The Death Penalty and Due Process in Biblical Law*, Richard H. Hiers University of Florida Levin College of Law, Summer 2004, p 771.
16. *The Law Commission. Offences against religion and public worship*. Working paper no. 79. 1981. p. 5

